

مقدمه

سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، علاوه بر ابعاد سه‌گانه جسمانی، روانی و اجتماعی، بعد چهارم، یعنی بعد معنویت را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد (وست، ۲۰۰۲، ص ۱۰). به موازات بررسی رابطه بین دین و معنویت و سایر مؤلفه‌های روان‌شناختی (مثل سلامت روان)، مفاهیمی مانند سلامت معنوی (مک‌دونالد، ۲۰۰۰) و بهزیستی معنوی (گومز و فیشر، ۲۰۰۳)، در آستانه هزاره سوم میلادی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است (سهرابی، ۱۳۸۷). هرچند از ابتدای شکل‌گیری روان‌شناسی علمی، همواره روان‌شناسان بزرگی مانند یونگ و آلپورت بر اهمیت دین و دینداری در سلامت روانی تأکید کرده‌اند، به‌گونه‌ای که یونگ بر اساس تجارب بالینی‌اش اظهار داشت: «در بین تمامی بیماران من که نیمه دوم عمر خود را می‌گذرانند، آنان که به یک عقیده و نگرش دینی دست نیافته‌اند بهبود واقعی پیدا نکردند» (به نقل از سایت ویکی‌فقه). همچنان شاهد افزایش این نوع پژوهش‌ها هستیم. در حال حاضر، شواهد کافی در فرهنگ غرب، کشورهای مسلمان و همچنین ایران وجود دارد که نشان می‌دهد، میان معنویت و مذهب با سلامت روان رابطه مثبت وجود دارد (ر. ک: میلر و کلی، ۲۰۰۵؛ جوشنلو، ۲۰۱۱؛ ابورایا و پارگامنت، ۲۰۱۱). گاهی در میان پژوهش‌ها، شاهد مطالعاتی هستیم که فراتر رفته و به سازه‌های میانجی‌گر میان این متغیرها پرداخته‌اند (ر. ک: جوشنلو و دائمی، ۲۰۱۴). اما آنچه که در رابطه با معنویت و نقش آن در روان‌شناسی و درمانگری، کمتر درباره آن پژوهش انجام شده است، تحولی بودن معنویت در انسان است.

تحولی‌نگری، درک پدیده‌ها را آسان و تعریف آنها را مشکل می‌کند؛ چرا که تعریف، تعیین و تقید را در پی دارد و ادراک تحولی، هر پدیده‌ای را در جایگاه خود بررسی می‌کند. نگاه صرفاً عینی‌نگر، مستلزم از دست دادن تعامل و تقابل است؛ اگر ذهن انسان متحول شود، معنای رفتارها نیز تغییر می‌کند (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶ ب). در این راستا، معنویت نیز به عنوان یک ساخت همواره دگرگون می‌شود. برخی، این دگرگونی را تحت تأثیر تحول‌شناختی می‌دانند (جنیا، ۱۹۹۵، ص ۲۵). بررسی ساخت‌های شناختی منفی، مانند روان‌بنه‌های اولیه منفی، که معمولاً در دوران کودکی شکل می‌گیرند، و ساختار، محتوی و فرایند فکر را واجد نارساکنشوری می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۲۹)، نشان می‌دهند که دینداری و پایبندی مذهبی افراد، تحت تأثیر این ساخت‌ها تعدیل گردیده و افراد را به رغم پایبندی مذهبی، در عملکرد (خانوادگی)، دچار مشکل می‌کنند (ر. ک: هراتیان، ۱۳۹۳). قاعده تحولی‌نگری در

بررسی نقش تمایز یافتگی و عوامل شخصیت در میزان تحول روانی - معنوی دانشجویان متأهل

فاطمه دائمی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه خوارزمی
مسعود جان‌بزرگی / دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم
دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۸ - پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۹

daemi.f@hotmail.com
psychjan@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش تمایز یافتگی و عوامل شخصیت در میزان تحول روانی - معنوی است. برای دستیابی به این هدف، ۲۲۰ نفر از میان متاهلین دو دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، به شیوه در دسترس انتخاب شدند و به کلیه گویه‌های پرسش‌نامه‌های جمعیت‌شناختی، تمایز یافتگی، شخصیت و تحول روانی - معنوی پاسخ دادند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون چند متغیره انجام شد. پس از تحلیل یافته‌ها، نتایج حاصل از همبستگی پیرسون حاکی از رابطه معنادار مثبت بین تمایز یافتگی، مقبولیت و وظیفه‌شناسی، با تحول روانی - معنوی و همچنین رابطه معنادار منفی بین روان‌آزرده‌خویی با تحول روانی - معنوی بود. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که تمایز یافتگی و عامل مقبولیت در شخصیت، نقش پیش‌بینی‌کننده برای تحول روانی - معنوی دارند. به نظر می‌رسد، هرچه متاهلین از سطح تمایز یافتگی بیشتری برخوردار باشند و مقبولیت و وظیفه‌شناسی بیشتری داشته باشند، در سطوح بالاتری از تحول روانی - معنوی جای می‌گیرند و هرچه درجه روان‌آزرده‌خویی آنها بیشتر شود، سطح تحول روانی معنوی کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: تمایز یافتگی، شخصیت، تحول روانی - معنوی.

معنویت، بیش از هر جا در حوزه کاربردی روان‌شناختی، به خصوص روان‌درمانگری معنا می‌یابد. اگر درمانگر درک درستی از رفتارهای مراجعه‌کننده‌ای، که در پایین‌ترین سطح تحول معنوی است (خود میان‌بینی) داشته باشد و تفاوت رفتارها و ادراک چنین فردی را با کسی که در سطح تحولی معنوی بالاتری (جزمی‌نگری) قرار دارد بداند، درک معنای رفتار مراجع‌ها برای او آسان‌تر و حرکت او به سمت تحول یافتگی توحیدی، واقع‌نگرانانه‌تر خواهد شد. در چنین فضای تحولی‌نگری، بهترین شکل تقابل و تعامل و خود راهبری اتفاق می‌افتد، درک همدلانه، امکان‌پذیر می‌شود و مداخله واقعی‌تر می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶ ب).

آدامز و همکاران (۱۹۹۴) معتقدند: تحول روانی - معنوی را می‌توان در قالب تحول شخصیت نیز پیگیری کرد؛ چراکه تحول شخصیت، بازخوردها و باورهای فرد درباره معنویت را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش جان‌بزرگی و دائمی (زیرچاپ)، نشان داده است که روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، با تحول روانی - معنوی همبستگی دارند. این پژوهش، نشان داد روان‌بنه‌های مربوط به حوزه طرد و رها شدگی از مواردی هستند که موجب اختلال در تحول روانی معنوی می‌شوند. به طور اختصاصی، پژوهش‌های متعددی رابطه بین معنویت، مذهب و شخصیت را بررسی کرده‌اند (ر. ک: ساراگلو، ۲۰۱۴، ص ۳۱؛ ساراگلو، ۲۰۰۲؛ هنینگز گاد و آرنو، ۲۰۰۸؛ استریفلر و مکنالی، ۱۹۹۸؛ دان و همکاران، ۱۹۷۹؛ جانسون و همکاران، ۱۹۹۸؛ واتسون و همکاران، ۱۹۸۶). برای نمونه، ساراگلو (۲۰۰۲)، در یک فراتحلیل به این نتیجه رسید که مذهب درونی با برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت دارد، در صورتی که مذهب بیرونی با روان‌آزرده‌خویی ارتباط دارد. همچنین دریافت که معنویت نه تنها با برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت دارد، بلکه با گشودگی به تجارب جدید نیز رابطه مثبت دارد و همچنین مذهب با روان‌آزرده‌خویی رابطه منفی دارد.

متغیر دیگری که در این پژوهش در کنار متغیر شخصیت، به عنوان پیش‌بینی‌کننده تحول روانی - معنوی مورد بررسی قرار گرفته است، تمایز یافتگی است. «تمایز یافتگی»، یکی از مفاهیم اساسی تئوری بوئن در خانواده درمان‌گری است که به توانایی تجربه صمیمیت با دیگران و در عین حال، استقلال از دیگران اشاره دارد (کلور، ۲۰۰۹). به اعتقاد بوئن، تمایز یافتگی دارای ابعاد درون‌فردی و میان‌فردی است. افراد با تمایز یافتگی بالا، به هیجانات خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد توانایی رشد خود مستقل را دارند و می‌توانند در روابط عمیق، آرامش و راحتی خود را حفظ کنند. بنابراین، از هم‌جوشی عاطفی و یا جدایی عاطفی برای تعدیل تنش‌های درونی خود

اجتناب می‌کنند. درحالی‌که افراد کمتر تمایز یافته یا به هم‌جوشی با دیگران متمایل می‌شوند. به این ترتیب، با جدایی از افراد مهم زندگی از پا در می‌آیند و یا به جدایی عاطفی تن می‌دهند. بنابراین، هنگام مواجه شدن با صمیمیت عاطفی واکنش اضطرابی نشان می‌دهند (اسکورون و دندی، ۲۰۰۴). در پژوهش‌های قبلی، مستندات مبتنی بر وجود رابطه میان تمایز یافتگی خود و معنویت یافت می‌شود (ر. ک: سندج و جانکوسکی، ۲۰۱۰؛ متیارد و همکاران، ۲۰۱۱). به گونه‌ای که هیدن‌روتس و همکارانش (۲۰۱۰)، به این نتیجه رسیدند که برخلاف فرضیه ذهنیشان، هرچه مثلث‌سازی بین نسلی در خانواده پدری بیشتر باشد، درجه خواهش‌های معنوی افراد نیز بیشتر است. این پژوهشگران، در تبیین نتیجه خود به این نکته اشاره دارند: زمانی که مثلث‌سازی به صورت قوی رخ دهد، این رابطه مثلثی اثر قاطع و بسیج‌گونه‌ای بر روی تلاش برای تمایز یافتگی دارد، اما هرچه قدرت مثلث‌سازی کمتر باشد، نیاز به تمایز یافتگی نیز کمتر احساس خواهد شد. در نتیجه، تمایز یافتگی بالا الزاماً نمی‌تواند رابطه‌ای با پختگی معنوی داشته باشد. اما اغلب پژوهش‌های دیگر، رابطه مثبتی میان این دو متغیر یافته‌اند. برای نمونه، جانکوسکی و وگن (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که رشد معنویت با درجه تمایز یافتگی افراد ارتباط مثبت دارند و تلاش‌های معنوی است که می‌تواند سطوح تحول معنوی و تمایز یافتگی افراد را پیش‌بینی کند. این یافته‌ها، با توجه به رابطه پایبندی به مذهب و معنویت، به‌طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که هرچه رابطه انسان با خدا قوی‌تر می‌شود، تمایز یافتگی او از افراد بیشتر می‌شود؛ چرا که پژوهش‌ها افزایش و کاهش رابطه با خدا و تمایز یافتگی را همسو نشان می‌دهند؛ نکته‌ای که پژوهش حاضر نیز به آن می‌پردازد.

این پژوهش در پی این است که نقش تمایز یافتگی و شخصیت را در تحول یافتگی روانی معنوی مورد بررسی قرار دهد. با توجه به این تاریخچه، این سؤال مطرح است که آیا سطح تحول روانی معنوی با کنش‌وری در حوزه روابط خانوادگی از جمله مشکلات وابسته به رگه‌های شخصیتی و تمایز یافتگی، که از متغیرهای تعیین‌کننده در کنش‌وری خانوادگی هستند، رابطه دارند؟ موضوعی که می‌توان نگاه بالینی متخصصان خانواده درمان‌گری و نیز مشاوره پیش از ازدواج را دقیق‌تر کند.

روش پژوهش

جامعه آماری، شامل زنان و مردان متأهل ساکن شهر تهران است. گروه نمونه شامل ۲۲۰ نفر با میانگین سنی ۳۱ سال می‌باشد که از میان متأهلین دو دانشگاه تهران (دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)، به عنوان نمونه‌ای معرف از جامعه، انتخاب شدند. معیارهای ورود به تحقیق،

شامل گذشت حداقل ۲ سال از تأهل و سکونت در شهر تهران بود. معیارهای خروج از تحقیق نیز شامل کسانی بود که سابقه بیماری روانی، بیماری جسمی مزمن، مصرف داروهای روان پزشکی و مصرف مواد داشتند یا پیش از ازدواج کنونی ازدواجی داشتند.

ابتدا پرسش نامه‌های مربوط به هر متغیر انتخاب شدند. برای یکسان سازی پاسخ گویی و تبعیت از یک شیوه استاندارد، دستورالعمل زیر برای پاسخ گویی آماده شد: ۱. ترتیب اجرای پرسش نامه‌ها بر اساس بسته تنظیم شده صورت گیرد؛ ۲. افراد به طور انفرادی و بدون مشورت با دیگران سؤال‌ها را پاسخ دهند؛ ۳. ذکر نام و مشخصات که برای رعایت اصول اخلاقی برای متأهلین آزاد بوده است.

ابزار پژوهش

در این پژوهش از چندین ابزار برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد:

پرسش نامه مشخصات جمعیت شناختی: فرم مشخصات جمعیت شناختی که معیارهای ورود و خروج تحقیق را در بر داشت شامل مؤلفه‌هایی مانند: سن، میزان تحصیلات، محل سکونت، سابقه ازدواج قبلی، مدت ازدواج، سابقه بیماری‌های جسمی و روان پزشکی و سایر اطلاعات فردی جهت همگن تر کردن شرکت کنندگان بود.

پرسش نامه تمایز یافتگی (DSI): پرسش نامه تمایز یافتگی که یک ابزار ۴۳ سؤالی به صورت طیف لیکرت پنج تایی است، توسط اسکورون و فریلندر (۱۹۹۸) تهیه شده است و برای سنجیدن تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود. این پرسش نامه، چهار خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و درهم آمیختگی با دیگران را می‌سنجد. اعتباریابی پرسش نامه مذکور در ایران، توسط یوسفی (۱۳۹۰) بررسی شد. آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۹ محاسبه شد که حاکی از نتایج قابل اعتماد آن برای استفاده در محیط‌های پژوهشی ایران است. آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسش نامه، در این پژوهش ۰/۷۴ می‌باشد.

پرسش نامه تحول روانی - معنوی (نسخه دوم) (PSDQ2): نسخه دوم پرسش نامه تحول روانی - معنوی بر اساس معیارهای بالینی مراجعان روان شناختی، که جنبا (۱۹۹۵) آن را گزارش کرده بود، توسط جان بزرگی با جهت گیری فرهنگی و دینی تهیه شده است. همه موارد پرسش نامه برای جمعیت مسلمان است. این ابزار، ۱۵ ماده دارد که هر ماده آن به ابعاد مختلف تحول روانی توجه داشته و هر ماده دارای پنج گزینه است که پنج سطح تحول روانی معنوی را مورد سنجش قرار می‌دهد. نسخه اول این

پرسش نامه، توسط جان بزرگی و همکاران (۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفته که کارایی آن تأیید شده است. آلفای کرونباخ به دست آمده برای پرسش نامه مذکور در این پژوهش ۰/۷۴ می‌باشد.

پرسش نامه شخصیت نئو (فرم کوتاه): این پرسش نامه، کوتاه ترین نسخه آزمون شخصیت نئو است که در مجموعه آزمون‌های روان شناسی تجربی به چاپ رسیده است. جان بزرگی و همکاران (زیر چاپ)، پس از ترجمه و اعتباریابی این پرسش نامه از آن برای مشاوره پیش از ازدواج استفاده کرد. در یک پژوهش بر روی ۶۵۴ زن متأهل شهر قم اعتبار و روایی آن به دست آورد. ضریب همسانی درونی این مقیاس (آلفای کرونباخ)، ۰/۷۹ و میزان همبستگی کلی با فرم ۶۰ سؤالی در هر پنج عامل، از ضریب ۰/۲۴ تا ۰/۵۹ متغیر و همه در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بودند. ساخت عاملی این پرسش نامه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. جان بزرگی و همکاران (زیر چاپ).

داده‌ها پس از کدگذاری و ورود به رایانه با نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ مورد تحلیل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر توصیف داده‌های آماری از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت شناختی افراد شرکت کننده نشان داد که میان سنی گروه نمونه، ۳۱ سال است. همچنین مشاهده شد که میانگین سنوات ازدواج مشارکت کنندگان ۹ سال است. از نظر سطح تحصیلی نیز یافته‌ها نشان داد که مدرک لیسانس بیشترین فراوانی را در سطوح تحصیلی به خود اختصاص می‌دهد.

نتایج حاصل از میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی همه متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
تمایز یافتگی	۱۵۶/۴۱	۱۸/۰۴	۰/۲۵	۰/۰۸
واکنش پذیری عاطفی	۳۵/۲۱	۵/۸۴	-۰/۱۷	۰/۳۷
جایگاه من	۴۳/۱۱	۷/۴	۰/۶۹	۴/۵۷
گریز عاطفی	۴۷/۹۸	۷/۷۴	-۰/۰۶	۰/۰۱
درهم آمیختگی با دیگران	۲۹/۹۲	۵/۳۳	۰/۰۶	-۰/۴۵
شخصیت روان آورده خویی	۱۰/۸۱	۳/۳۵	۰/۰۱	-۰/۴۳

چنانچه در جدول فوق دیده می‌شود، مقیاس تحول روانی - معنوی توسط متغیر تمایز یافتگی (ضریب بتا = ۰/۱۷۶) و عامل مقبولیت شخصیت (ضریب بتا = ۰/۲۰) پیش‌بینی می‌شود (۰/۰۵ < p و $F(۶ و ۱۷۴) = ۶/۷۴$). به‌طور کلی، این متغیرها قادرند حدود ۱۹ درصد از پراکندگی نمرات تحول روانی - معنوی را پیش‌بینی کنند ($R^2 = ۰/۱۹$).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد که تحول روانی - معنوی در ایران، با دو مؤلفه فردی مهم، تمایز یافتگی و شخصیت در ارتباط می‌باشد. البته هر یک از این دو مؤلفه، در روابط میان فردی نیز نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. در پژوهش‌های پیشین نیز اهمیت درک سطح تحول معنویت مراجع در درمانگری بررسی شده است و لزوم بررسی‌های بیشتر مشخص گردیده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶). یافته‌های این پژوهش، در راستای اغلب پژوهش‌های پیشین است. هر چند که پژوهش‌های قبلی، اغلب معنویت را به عنوان یک متغیر و حالت یا موقعیت روان‌شناختی بررسی کرده بودند؛ به این معنی که به بررسی نقش این مؤلفه‌ها روی معنویت پرداخته بودند، ولی کلیت یافته‌های پژوهش‌ها در یک راستا و تأیید کننده یکدیگر هستند.

جان‌بزرگی و همکاران (۱۳۹۰)، رابطه مثبت معناداری را بین مراحل تحول روانی معنوی با سلامت روانی یافتند. این یافته حاکی از نقش تأثیرگذار این مهم بر بهزیستی و لزوم تحقیقات بیشتر در این حوزه می‌باشد. همچنین جان‌بزرگی و دائمی (زیر چاپ)، به بررسی نقش روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه روی سطوح تحول روانی معنوی زوجین پرداختند. نتایج نشان‌دهنده نقش مؤثر این روان‌بنه‌ها بر این مؤلفه مهم و معنادار بود. همچنین هراتیان (۱۳۹۳)، رابطه بین روان‌بنه‌های منفی با پایبندی مذهبی را مورد بررسی قرار داد و مشخص شد روان‌بنه‌های منفی، به طور معناداری پایبندی مذهبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مقاله به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های منفی تحول روانی معنوی، با تکیه بر تمایز یافتگی و شخصیت در متأهلین شهر تهران پرداخته است.

نتایج تحلیل‌ها در رابطه با تمایز یافتگی، حاکی از این است که در این نمونه، تمایز یافتگی متأهلان شهر تهران با تحول روانی - معنوی آنان رابطه معنادار مستقیم دارد. این یافته، بدین معناست که هر چه سطح تمایز یافتگی متأهلان از خانواده پدری خود، از جامعه خود و همچنین بین عقل و احساس خود بیشتر باشد، از سطح تحول روانی معنوی بالاتری نیز برخوردار هستند. این یافته، در راستای یافته‌های جانکوسکی و همکارانش (۲۰۰۹)؛ سندج و جانکوسکی، ۲۰۱۰ و متیارد و همکاران، (۲۰۱۱) است که

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
برون‌گردی	۱۴/۵۸	۲/۹۳	-۰/۷۵	۱/۰۹
گشودگی به تجربه	۱۲/۸۵	۳/۷۱	۰/۴۶	۰/۶۶
مقبولیت	۱۴/۹۴	۲/۷۵	-۰/۴۶	-۰/۰۵
وظیفه‌شناسی	۱۵/۳۷	۲/۷۴	-۰/۳۵	۰/۲۷
تحول روانی - معنوی	۵۲/۸۵	۱۰/۲۱	-۰/۰۵	-۰/۱۵

پیش از انجام رگرسیون چندمتغیره، همبستگی بین تمایز یافتگی، عوامل شخصیت و سطح تحول روانی - معنوی بررسی شد که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل همبستگی بین تمایز یافتگی، عوامل شخصیت و تحول روانی - معنوی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
تمایز یافتگی	۱						
روان‌آزرده‌خویی	*-۰/۴۲۶	۱					
برون‌گردی	*۰/۲۱۴	*-۰/۱۷	۱				
گشودگی به تجربه	*۰/۰۱	*۰/۱۵	*۰/۴۲	۱			
مقبولیت	*۰/۲۶	*-۰/۳۸	*۰/۴۳	*۰/۱۸	۱		
وظیفه‌شناسی	*۰/۴۷	*-۰/۳۳۹	*۰/۲۷	*۰/۲۲	*۰/۳۹	۱	
تحول روانی - معنوی	*۰/۳۵۳	*-۰/۲۶	*۰/۰۵	*-۰/۰۶	*۰/۲۸	*۰/۲۹	۱

** P < ۰/۰۱ * P < ۰/۰۵

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، میان تمایز یافتگی، مقبولیت و وظیفه‌شناسی با تحول روانی - معنوی همبستگی معنادار مثبت و بین روان‌آزرده‌خویی با تحول روانی - معنوی همبستگی معنادار منفی وجود دارد. برای بررسی قدرت تمایز یافتگی و عوامل شخصیت در پیش‌بینی تحول روانی - معنوی، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. مقیاس تحول روانی - معنوی به عنوان متغیر ملاک و مقیاس‌های تمایز یافتگی و عوامل شخصیت، به عنوان متغیرهای پیش‌بین در نظر گرفته شدند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۳ نمایش داده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره مقیاس تحول روانی - معنوی بر روی تمایز یافتگی و عوامل شخصیت

p	t	β	B	p	F	df	R ²	R	
۰/۰۳	۲/۱۱	۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۰۰۰۱	۶/۷۴	۱۷۴ و ۶	۰/۱۹	۰/۴۴	تمایز یافتگی
۰/۳۱	-۱/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۲۵						روان‌آزرده‌خویی
۰/۲۱	-۱/۲۴	-۰/۱۰	-۰/۳۸						برون‌گردی
۰/۳۴	-۰/۹۴	-۰/۰۷	-۰/۳۱						گشودگی به تجربه
۰/۰۲	۲/۳۵	۰/۲۰	۰/۷۴						مقبولیت
۰/۰۵	۱/۹۱	۰/۱۶	۰/۵۹						وظیفه‌شناسی

البته در میان مسیحیان انجام گرفته است و ارتباط تمایز یافتگی با معنویت را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که متغیر تمایز یافتگی، قادر به پیش‌بینی سطح تحول روانی - معنوی می‌باشد. بنا به گفته ماجرس (۲۰۱۰)، تمایز یافتگی خود یکی از مفاهیم مهم نظریه سیستم‌های خانواده در نظریه بوئن است و به عنوان یکی از ابزارهای مفهومی مهم به سمت معنویت میان مسیحیان است؛ چرا که ایشان رابطه میان این تمایز یافتگی با معنویت را به رابطه تثلیث در مسیحیت پیوند می‌دهد. اما سؤال اینجاست که در مذهب اسلام، تمایز یافتگی با تحول روانی معنوی چگونه ارتباط برقرار می‌کند؟ با بررسی دقیق‌تر پنج مرحله تحول روانی معنوی (دین خود میان‌بین، دین جزمی‌گرانه، دین بحرانی یا دوسوگرانه، دین خودسازمان یافته و توحیدی و دین متعالی‌ساز و فرابرنده)، متوجه خواهیم شد که در فرایند تحول رو به کمال، هم فرایندهای درون روانی و هم فرایندهای برون روانی به سمت یکپارچگی و انسجام (توحید) حرکت می‌کنند. همان‌گونه که در تمایز یافتگی بالا، شاهد یکپارچگی از سطوح درون فردی و برون فردی هستیم، به گونه‌ای که افراد تمایز یافته را افرادی می‌دانیم که اراده لازم برای شروع یا اتمام کارهایشان را دارند، موضع روشنی نسبت به خود، دیگران و محیط اطرافشان دارند، ثبات هیجانی دارند و جایگاه خود را در هر شرایطی حفظ می‌کنند. همان‌گونه‌اند کسانی که از سطح تحول روانی معنوی بالایی برخوردارند، چون آنها نیز موضع‌گیری‌های روشنی دارند، دانا به جایگاه متمایز بنده از خدا هستند، تفکر منطقی و توحیدی دارند و رابطه آنها با خداوند و پدیده‌های مخلوق او، مبتنی بر شناخت و محبت است و از ثبات هیجانی بالایی برخوردارند. همچنین، در سطوح تحول روانی معنوی پایین، شاهد نیاز به تأیید، نیاز هیجانی به لذت، خیال‌پردازی درباره قدرت، ترس از رهایی، ترس از رابطه صمیمی، رفتار تکانه‌ای، وابستگی به قدرت مذهبی، وابستگی و... هستیم (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶ ب). این وجوه بالینی افراد در سطح پایین تحول روانی معنوی، شباهت‌های زیادی با وجوه بالینی افراد با سطح تمایز یافتگی پایین دارد؛ زیرا افراد با تمایز یافتگی پایین در بعد میان فردی، یا دچار وابستگی یا دچار گریز عاطفی هستند. همچنین در سطح درون‌فردی، رفتارهایی با هیجان بسیار دارند. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که کیفیت روابط بر اساس تجربه بریدگی عاطفی، تا درهم آمیختگی عاطفی که تمایز یافتگی فرد را رقم می‌زند، با فرایند تحول روانی معنوی نیز در ارتباط باشد. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت: آن‌گونه که فرد به فرایندهای درون‌فردی، رابطه خود با دیگران و رابطه خود با دنیای اطراف می‌نگرد، به همان سبک نیز به رابطه خود با خدا می‌نگرد و به همان سطح از تحول روانی معنوی برخوردار است؛ چرا که جنبا (۱۹۹۵) معتقد است: از همان کودکی، تجسم خداوند

در نظرشان تحت تأثیر روابطشان با والدین و بستگان نزدیک است. از سوی دیگر، تعارض‌های عاطفی ممکن است موجب توقف تحول معنوی شوند و شکل ناسالم و مخربی از تحول دینی را ایجاد کنند.

فرض دیگر این پژوهش، رابطه ویژگی‌های شخصیت با سطح تحول روانی معنوی بود. نتایج همبستگی نشان داد که مؤلفه‌های روان‌آزرده‌خویی، مقبولیت و وظیفه‌شناسی با تحول روانی معنوی رابطه دارند، ولی این رابطه برای روان‌آزرده‌خویی (نورزگرایی) به صورت معکوس است. رگرسیون چندمتغیره نیز نشان داد که تنها مؤلفه مقبولیت است که می‌تواند تحول روانی معنوی را در بین متأهلان شهر تهران پیش‌بینی کند. پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که به بررسی رابطه شخصیت با معنویت و مذهب پرداخته‌اند (ر. ک: ساراگلو ۲۰۰۲؛ ساراگلو ۲۰۱۰؛ هینسگاد و آرنو، ۲۰۰۸؛ استریفلر و مکناالی، ۱۹۹۸؛ دان و همکاران، ۱۹۷۹؛ جانسون و همکاران، ۱۹۹۸ و واتسون و همکاران، ۱۹۸۶)، تا جایی که پیدمونت (۱۹۹۹) معتقد است: می‌توان معنویت را بعد ششم شخصیت دانست (رجایی و همکاران، ۱۳۸۵). اغلب این پژوهش‌ها رابطه میان مقبولیت، وظیفه‌شناسی و روان‌آزرده‌خویی با معنویت را گزارش کرده‌اند. از جمله فراتحلیل ساراگلو، که در سال ۲۰۱۰ انجام شده است. آنچه که در پژوهش‌های داخلی و خارجی به اثبات رسیده است، این است که شخصیت رابطه مهمی با معنویت دارد، ولی چون بررسی در خصوص تحول روانی معنوی اخیراً اتفاق افتاده است، شاهد پژوهش‌چندانی برای نتایج این پژوهش یافت نشد. از آنجایی که خداوند هدف خلقت بشر را عبادت خود دانسته و لازمه عبادت خداوند شناخت و معرفت او است، و بین عقل و عبودیت و سعادت اخروی رابطه وجود دارد، به نوعی بین عقلانیت و عبودیت رابطه‌ای تنگاتنگ دیده می‌شود. اینکه بین وظیفه‌شناسی، که جلوه‌ای از تکلیف‌پذیری است و از سوی دیگر، رابطه منفی بین روان‌آزرده‌خویی و تحول روانی معنوی که تا حدی محجوریت عقلانی را مورد تأکید قرار می‌دهد، نشان می‌دهد نتایج پژوهش تا حد زیادی در راستای تأیید دینداری عقلانی است و با منابع اسلامی نیز همسو است.

محدودیت‌های این پژوهش، برآورد داده‌ها در زمینه‌های مختلف واجد احتیاط می‌گرداند. نمونه حاضر صرفاً یک نمونه‌ای از شهر تهران است. هرچند از تعداد مناسبی برخوردار می‌باشد، اما تعمیم آن به جمعیت شهرهای دیگر و یا افراد مجرد باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین محدودیتی که ابزارها برای تعمیم نتایج ایجاد می‌کنند و غیرقابل اجتناب بوده‌اند را نیز باید در نظر داشت. پیشنهاد می‌شود نمونه این پژوهش بر روی جمعیت سنین مختلف، شهرهای دیگر و به خصوص دانشجویان تکرار شود. انجام پژوهشی مبتنی بر خانواده درمانی سیستمی با افرادی که در سطوح پایین تحول روانی هستند، می‌تواند ضمن تصریح نتایج این پژوهش به راه‌های عملی برای ارتقاء سطح تحول روانی معنوی منجر شود.

منابع

- Heiden Rootes, & et al, 2010, Bowen Family Systems Theory and Spirituality: Exploring the Relationship Between Triangulation and Religious Questing, *contemporary family therapy*, v. 32, p. 89-101.
- Henningsgaard, J. M, & Arnau, R. C, 2008, Relationships between religiosity, spirituality, and personality: A multivariate analysis, *Personality and Individual Differences*, v. 45, p. 703-708.
- Jankowski, P. J, & Vaughn, M, 2009, Differentiation of Self and Spirituality: Empirical Explorations, *Counseling and Values*, v. 53, p. 82-96.
- Johnson, R. C, & et al, 1998, Cross-cultural assessment of altruism and its correlates, *Personality and Individual Differences*, v. 10, p. 855-868.
- Joshanloo, M, & Daemi, F, 2014, Self-esteem mediates the relationship between spirituality and subjective well-being in Iran, *International Journal of Psychology*, p. 1-6.
- Joshanloo, M, 2011, Investigation of the contribution of spirituality and religiousness to hedonic and eudaimonic well-being in Iranian young adults, *Journal of Happiness Studies*, v. 12 (6), p. 915-930.
- klever, Ph, 2009, Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning, *Journal of Marital and Family Therapy*, v. 35 (3), p. 303-316.
- MacDonald, D. A, 2000, Spirituality: Description, measurement, and relation to the five factor model of personality, *Journal of Personality*, v. 68, p. 153-197.
- Majerus, B. D, 2010, Toward an Authentic Knowing of God: The Differentiation-of-Self Construct in Relational Spirituality, *Journal of Spirituality in Mental Health*, v. 12 (4), p. 288-299.
- Meteyard, J. D, & et al, 2011, Exploring the Relationship between Differentiation of Self and Religious Questing in Students from Two Faith-based Colleges, *Pastoral Psychology*, v. 61 (3), p. 333-342.
- Miller, L, & Kelley, B. S, 2005, *Relationships of religiosity and spirituality with mental health and psychopathology*. In R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *Handbook of the psychology of religion* (pp. 460-478), New York: Guilford.
- Sandage, S. J, & Jankowski, P. J, 2010, Forgiveness, spiritual instability, mental health symptoms, and well-being: Mediator effects of differentiation of self, *Psychology of Religion and Spirituality*, v. 2 (3), p. 168-180.
- Saroglou, V, 2002, Religion and the five factors of personality: A meta-analytic review, *Personality and Individual Differences*, v. 32, p. 15-25.
- Saroglou, V, 2014, *Introduction: Studying religion in personality and social psychology, Religion, personality, and social behavior*, New York: Psychology Press.
- Skowron, E. A, & Dendy, A. K, 2004, Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control, *Contemporary Family Therapy*, v. 26 (3), p. 337-357.
- Skowron, E., Friedlander, M, 1998, The differentiation of self-inventory: Development and initial validation, *Journal of Counseling Psychology*, v. 28, p. 235-246.
- Streyffeler, L. L, McNally, R. J, 1998, Fundamentalists and liberals: Personality characteristics of Protestant Christians, *Personality and Individual Differences*, v. 24, p. 579-80.
- Watson, P.J, & et al, 1986, Religiosity and social desirability, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. 25, p. 215-232.
- Young, J. E, & et al, 2003, *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*, Guilford Press.
- جان‌بزرگی مسعود و فاطمه دائمی، زیرچاپ، تأثیر روان‌بندهای ناسازگار نخستین بر تحول روانی - معنوی، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*.
- جان‌بزرگی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۰، «ارزیابی تحول روانی - معنوی در درمانگری مراجعان مذهبی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال پنجم، ش ۸، ص ۴۹-۷۰.
- ، زیرچاپ، «ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه ایرانی فرم کوتاه پرسش‌نامه پنج عاملی شخصیت: NEO-20»، *پژوهش‌های نوین در روان‌شناسی بالینی*، ش ۲.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۸۶ الف، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی»، *پژوهش در پزشکی*، دوره سی و یکم، ش ۴، ص ۳۴۵-۳۵۰.
- ، ۱۳۸۶ ب، «دین در خلال تحول و شیوه‌های درمانگری مبتنی بر مذهب»، در کتاب «روان‌شناسی: عرصه‌ها و دیدگاه‌ها» مجموعه مقالات نکوداشت استاد دکتر دادستان، تهران، سمت.
- رجایی، علیرضا و همکاران، ۱۳۸۵، «رابطه هوش هیجانی با سلامت روانی در معلمان»، *اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، سال دوم، ش ۱، ص ۶۱-۷۲.
- سهرابی، فرامرز، ۱۳۸۷، «مبانی هوش معنوی»، *سلامت روان*، سال اول، ش ۱، ص ۱۴-۱۸.
- وست، ویلیام، ۲۰۰۲، *روان‌درمانی و معنویت*، ترجمه شهریار شهیدی و سلطانعلی شیرافکن، تهران، رشد.
- هراتیان، عباسعلی، ۱۳۹۳، *رابطه روان‌بندهای ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پابندی مذهبی زوجین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- یوسفی، ناصر، ۱۳۹۰، «بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خانوادگی تفکیک خویشتن (DSI-2)»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۱ (۱)، ص ۱۹-۳۸.
- Abu-Raiya, H, & Pargament, K. I, 2011, Empirically based psychology of Islam: Summary and critique of the literature, *Mental Health, Religion & Culture*, v. 14 (2), p. 93-115.
- Adams, G. R, & et al, 1994, *Adolescent Life Experiences*, (3rd Ed). Books/Cole. P: USA.
- Allport, G, 1963, Behavioral science, religion and mental health, *Journal of Religion and Health*, v. 2, p. 187-192.
- Brannigan, G.G, 2000, *Experimencing Psychology: Active Learning Adventures*, Prentice Hall.
- Dunne, M. P, & et al, 1979, Personality and change in the frequency of religious practice, *Personality and Individual Differences*, v. 23, v. 527-530.
- Genia, V, 1995, *Counseling And Psychotherapy Of Religious Clients: A Developmental Approach*; Praeger.
- Gomez, R, & Fisher, J. W, 2003, Domains of spiritual well-being and development and validation of the Spiritual Well-Being Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, v. 35, p. 1975-1991.